



و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.

و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، و [لی] از اندازه درنگذیرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۹۰

* چشم انداز آیه

در نخستین آیه، قرآن دستور مقاتله و مبارزه با کسانی که شمشیر به روی مسلمانان می‌کشند صادر کرده و به آنان اجازه داده است که برای خاموش ساختن دشمنان، دست به اسلحه ببرند و به تعبیر دیگر دوران صبر و شکیبایی مسلمانان تمام شده بود و به قدر کافی، قوت و قدرت پیدا کرده بودند که با شجاعت و صراحت، از خود و حقوق خویش دفاع کنند.

در این آیه ضمن تصریح به ضرورت دفاع و مقابله در برابر تجاوز دیگران، یادآور می‌شود که در میدان جنگ نیز از حدود و مرزهای الهی تجاوز نکرده و متعرض بیماران، زنان، کودکان و سالمندانی که با شما کاری ندارند نشوید. قبل از دعوت آنان به اسلام، دست به اسلحه نبرید و شروع کننده جنگ نباشید و مقررات و عواطف انسانی را حتی در جنگ مراعات کنید.

تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۰۰

* چرا فرمان جهاد در مدینه نازل شد؟

جهاد در سال دوم هجرت به مسلمانان واجب گشت و قبل از آن واجب نبود. دلیل این موضع روشن است، زیرا از یک طرف تعداد مسلمانان در مکه به اندازه‌ای کم بود که عملاً قیام مسلحانه کردن، مفهومی جز انتحار و خودکشی نداشت و از طرف دیگر دشمن در مکه فوق العاده نیرومند بود و در واقع مرکز اصلی قدرتهای ضد اسلامی محسوب می‌شد و مبارزه کردن با آنها در داخل مکه، امکان پذیر نبود. ولی هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه آمد عده زیادی به او ایمان آوردند و دعوت خود را آشکار در داخل و خارج مدینه گسترش داد و توانست یک حکومت صالح به وجود آورد و وسایل لازم را برای مبارزه و پیکار با دشمن آماده سازد و چون مدینه از مکه فاصله زیادی داشت این کار با فراغت خاطر صورت گرفت و نیروهای انقلابی و آزادی بخش، آماده مبارزه و دفاع در برابر دشمن شدند.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۰

* مراحل برخورد با دشمن

بی‌اعتنایی و اعراض. «دَعُ أَدَاهُمْ» (احزاب/۴۸)، «فَاعْرِضْ عَنْهُمْ» (نساء/۶۳)

خشونت و جنگ. «وَأَعْلَظْ عَلَيْهِمْ» (توبه/۷۳)، «وَقَاتِلُوا... الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (بقره/۱۹۰)

تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۰۰

* هدف نهایی جنگ

جنگ مسلمانان، برای دفاع از خود و دین خداوند است. لکن هدف دشمن از جنگ، خاموش کردن نور خدا «لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ» (صف/۸) و به تسلیم کشاندن مسلمانان است. «لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره/۱۲۰)

تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۰۰

* یک اصل بسیار مهم!

بعضی از صفات، در شرایط مختلف ارزش خود را از دست می‌دهند؛ مثلاً ترحم یک ارزش است، ولی ترحم بر پلنگ تیز دندان، ستمکاری بر گوسفندان است. و یا علم یک ارزش است، لکن گاهی ندانستن ارزش می‌شود. مثلاً شبی که حضرت علی (علیه السلام) در بستر پیامبر ﷺ به جای آن حضرت خوابید و پیامبر خدا ﷺ هجرت نمودند، ارزش این فداکاری بدان است که حضرت علی (علیه السلام) نداند که کشته می‌شود یا نه و اگر بداند که او را نمی‌کشند، افراد عادی نیز حاضرند چنین عملی را انجام بدهند. به هر حال هر یک از سخاوت و شجاعت ممکن است در شرایطی کم‌ارزش یا پرارزش یا بی‌ارزش شود، لکن تنها صفتی که هرگز از ارزش نمی‌افتد، مسئله عدالت است که در هر زمان و مکان و نسبت به هر فرد، دوست یا دشمن یک ارزش است.

تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۰۰

* مفهوم «فی سبیل الله»

تعبیر به «فی سبیل الله» هدف اصلی جنگهای اسلامی را روشن می‌سازد که جنگ در منطق اسلام، هرگز به خاطر انتقام‌جویی یا جاه‌طلبی یا کشورگشایی یا به دست آوردن غنائم و اشغال سرزمین های دیگران نیست. اسلام همه اینها را محکوم می‌کند و می‌گوید: سلاح به دست گرفتن و به جهاد پرداختن فقط باید در راه خدا و برای گسترش قوانین الهی و بسط توحید و عدالت و دفاع از حق و ریشه کن ساختن ظلم و فساد و تباهی باشد. همین نکته است که جنگهای اسلامی را از تمام جنگهایی که در جهان روی می‌دهد جدا می‌سازد و نیز همین هدف، در تمام ابعاد جنگ اثر می‌گذارد و کمیت و کیفیت جنگ، نوع سلاح، چگونگی رفتار با اسیران را به رنگ فی سبیل الله درمی‌آورد.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۸

پیمودن راه خدا یا به تعبیر دیگر راه دین و آیین او، با تمام مشکلاتی که دارد، چون موافق روح و جان افراد با ایمان است، کاری است آسان و گوارا، به همین دلیل مؤمنان داوطلبانه و آشکارا از آن استقبال می‌کنند، هر چند سرانجامش شهادت باشد.

جمله «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» نیز صراحت دارد که این دستور مخصوص مقابله با کسانی است که دست به اسلحه می‌برند و تا دشمن به مقاتله و مبارزه برنخیزد، مسلمانان نباید حمله کنند و چنان که خواهیم دید، این اصل (جز در بعضی موارد استثنایی که خواهد آمد) همه جا محترم شمرده شده است.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۹

* مصادیق پرهیز از تعدی در قتال

افرادی که سلاح بر زمین بگذارند و کسانی که توانایی جنگ را از دست داده‌اند، یا اصولاً قدرت بر جنگ ندارند، همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان نباید مورد تعدی قرار گیرند.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۹

باغستان ها و گیاهان و زراعت ها را نباید از بین ببرند و از مواد سمی برای زهرآلود کردن آب های آشامیدنی دشمن (جنگ شیمیایی و میکروبی) نباید استفاده کنند.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۹

* بحث روایی

علی (علیه السلام) طبق آنچه در نهج البلاغه آمده - به لشکریانش، قبل از شروع جنگ صفین دستور جامعی در این زمینه داده که شاهد گویای بحث ما است:

با آنها نجنبید تا جنگ را آغاز کنند

چه اینکه شما بحمدالله (برای حقانیت خود)

دارای حجت و دلیل هستید

و واگذاشتن آنها تا نبرد را آغاز کنند، حجت

دیگری است به سود شما و بر زیان آنان.

آن گاه که به اذن خدا آنان را شکست دادید،

فراریان را نکشید

و بر ناتوانها ضربه نزنید و مجروحان را به قتل

نرسانید

و با اذیت و آزار، زنان را به هیجان نیاورید، هر

چند به شما دشنام دهند و به سران تان ناسزا

گویند.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۰

* خلاصه بحث

دفاع و مقابله به مثل، از حقوق انسانی است. اگر کسی با ما جنگید ما هم با او می‌جنگیم.

هدف از جنگ در اسلام، گرفتن آب و خاک و یا استعمار و انتقام نیست، بلکه هدف، دفاع از حق با حذف عنصرهای فاسد و آزادسازی افکار و نجات انسان‌ها از خرافات و موهومات می‌باشد.

حتی در جنگ باید عدالت و حق رعایت شود. «قَاتِلُوا... لَا تَعْتَدُوا» بارها قرآن با جمله‌ی «لا تعتدوا» سفارش کرده که در انجام هر فرمانی از حدود و مرزها تجاوز نشود.

ظلم و ستم و ایستادگی در مقابل دین خدا، رشته محبت الهی را پاره می‌کند. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»

تنها حضور در جبهه، سبب قرب الهی نیست، بلکه محبوبیت نزد پروردگار زمانی است که در جنگ، عادل باشیم و حقوق را رعایت کنیم. «لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»

در جنگ، هدف باید فقط خدا باشد، نه هوسها، تعصب‌ها، غنائم، ریا و سمعه. «فی سبیل الله»

کلیه مطالب خلاصه بحث) برگرفته از تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۰۱



درس بیست و ششم: نجاسات (بخش دوم)

* چند مسأله

خوردن و آشامیدن چیز نجس، حرام است.

وسایل منزل کسانی که به طور کامل، مقید به طهارت و نجاست نیستند - حتی اگر مسلمان نباشند - در صورتی که یقین به نجس شدن آنها نباشد، پاک است.

وسایل و لوازمی که در هتل ها یا خانه ها - حتی در کشورهای غیر اسلامی - وجود دارد از جمله ظروف غذا، حوله حمام، صابون، رختخواب، تخت، فرش و دیگر چیزها اگر یقین به تماس با بدن کافر به گونه‌ای که رطوبت سرایت کرده باشد و یا یقین به نجس شدن آن از راه دیگر نمی‌باشد، پاک است.

* در موارد زیر، حکم به پاکی می‌شود:

معلوم نباشد پاک و نجس به هم برخورد کرده اند یا نه.

معلوم نباشد چیز پاک و نجس، مرطوب بوده اند یا نه.

معلوم نباشد رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه.

منبع: کتاب آموزش فقه: نوشته محمدحسین فلاح زاده: صفحه ۷۲ تا ۷۴

ایستگاه دوم: پرسمان زندگی (زال احکام)

فقه و احکام شرعی

* این افراد، کافر و نجس هستند:

منکر خدا (کسی که وجود خدا را انکار کند).

منکر توحید (کسی که برای خدا شریک قرار دهد).

منکر پیامبری حضرت محمد ﷺ (کسی که نبوت پیامبر اکرم ﷺ را انکار کند).

منکر ضروری دین؛ در صورتی که بداند آن چیز، ضروری دین است و انکار آن به انکار

رسالت یا تکذیب پیامبر ﷺ یا نقض دین بازگردد.

کسی که به ائمه اطهار ﷺ دشنام دهد یا با آنها دشمنی ورزد، هر چند با یکی از آنها باشد.



ایستگاه سوم: موعودپژوهی و آخر الزمان

پرشش بیست و ششم: علل غیبت امام زمان را بیان کنید. قسمت دوم



در جلسه گذشته اولین دلیل غیبت با عنوان «امتحان و آزمایش مردم» بررسی شد. اینک دومین عامل غیبت را با عنوان «نجات از قتل امام زمان» را تبیین می کنیم:

نجات از قتل آن حضرت

چنانچه در تاریخ آمده است معتمد عباسی که خلیفه دوران امام حسن عسگری و دوران تولد و کودکی امام زمان بوده، سخت در تلاش بوده است که به هر قیمتی شده، حضرت مهدی را پیدا کرده و از بین ببرد. لذا عمال و کارگزاران او پیوسته به منزل امام حسن عسگری یورش می بردند تا شاید بر نیت پلیدشان، جامه عمل بپوشانند. اما خداوند متعال، او را محافظت کرد. زراره از امام باقر نقل می کند که آن حضرت فرمود: قائم باید غایب شود. زراره سؤال می کند چرا؟ حضرت می فرماید: جهت نجات از قتل. ادامه دارد ...

منبع: کتاب ۲۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان؛ نوشته سید جعفر موسوی نسب؛ صفحه ۲۲۸ و ۲۲۹



ایستگاه چهارم: روش های نیکو در معاشرت

- در میهمانی های بزرگ، صاحب مجلس (زن و مرد) جلوی در می ایستد و از مدعوین استقبال می کند. محل نشستن صاحب مجلس نیز معمولاً پایین مجلس و نزدیک در است.
- میهمان باید مورد پذیرایی شایسته قرار بگیرد، مگر آن که شرط کرده باشد که بیشتر از امکانات معمول و موجود، تهیه و تدارکی دیده نشود.
- میزبان از آن چه دارد مضایقه نکند و میهمان به آن چه برایش فراهم کرده اند، اکتفا کند.
- میهمان بدون دعوت و سرزده نباید توقع پذیرایی فوق العاده داشته باشد و لازم نیست که صاحبخانه در آن وعده به زحمت بیفتد.
- وظیفه میزبان، پذیرایی است، لذا نباید از میهمان سؤال کند «چی میل دارید؟» صحیح آن است که به تناسب زمان، چای، شربت و یا ... را با احترام، ارائه نماید و اختیار و انتخاب را بر عهده میهمان بگذارد.

منبع: کتاب روش های نیکو در معاشرت؛ نوشته سید مصطفی ابطحی؛ صفحات ۷۴ تا ۷۶



این نگاه پر معنا
به بازماندگان،
یک دنیا پیام دارد
بعد ما چه کردید...؟

پی نوشت:

لطفا خیلی خودتان را درگیر آمار و ارقام فوق، نکنید. چند صدلی، کمتر یا بیشتر و یا این که تعداد شهدا قدری بیشتر یا کمتر باشد، تفاوتی در اصل ماجرا ایجاد نمی کند.

ایستگاه پنجم: مدیران لایقی که شرمنده شهدا نیستند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران،
۳۰۰۰ صدلی
با پست مهم در ۳ قوه داریم.

برای استقرار این نظام و ماندنش
حدود ۲۱۹ هزار شهید داده ایم.
یعنی برای هر صدلی: ۷۳ شهید!
به تعبیری دیگر برای هر پست در
نظام
یک کربلا برپا شده است!

خوش به حال مدیرانی که «شرمنده شهدا» نیستند!

حسن ختام: یک تکلیف «عصر ظهوری»



روز پنج شنبه هفته آینده (۱۳/۰۳/۱۳۹۵)
همزمان با آخرین شب جمعه ماه شعبان
و سالگرد ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی
روژه می گیریم
و ثواب آن را به روح بلند و ملکوتی آن امام فقید
و دو فرزندش، هدیه می کنیم.